

## افشاگری: نظریه های اخلاقی معاصر چه میگویند؟

### الهام روستایی دره میانه<sup>۱</sup>، رمضانعلی رویایی<sup>۲</sup>، ظاهره خسروآبادی<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری، حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات تهران، تهران، ایران  
<sup>۲</sup> استاد دانشگاه و عضو هیئت علمی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات تهران، تهران، ایران  
<sup>۳</sup> استاد دانشگاه و دانشجوی دکتری، حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات تهران، تهران، ایران

نویسنده مسئول:

الهام روستایی دره میانه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

### چکیده

تعداد روزافزون رسوایی که منجر به بسته شدن بسیاری از شرکت های بزرگ می شود نگران کننده است. باور سنتی این است که کسب و کار و اخلاق دو مسئله متضاد هستند و انتظار نمی رود. با این وجود، این بدان معنا نیست استانداردهای اخلاقی باید کنار گذاشته شود. انجمن های حرفه ای مانند موسسه مالی مجاز (CFA) ارزش های اخلاقی را حفظ می کند و از اعضای خود خواسته است که از نظر اخلاقی استانداردهای بالا را رعایت کنند و در انجام وظایف خود سعی و کوشش کنند. به لحاظ فلسفی، رسوایی عمده حسابداری می تواند با افشا قبل از ارتکاب عمل اشتباه در نطفه خفه شود. با این حال افشا یک مسئله مهم است و به عنوان خیانت در نظر گرفته می شود. در این مقاله معضل افشا با استفاده از نظریه های اخلاقی معاصر ارزیابی شده اند که عبارتند از: خودبینی، فایده گرایی، وظیفه شناسی، تجزیه و تحلیل.

کلمات کلیدی: افشاگری<sup>۱</sup>، اخلاق تجاری<sup>۲</sup>، خودبینی<sup>۳</sup>، فایده گرایی<sup>۴</sup>، وظیفه شناسی<sup>۵</sup>.

<sup>1</sup> Whistle blowing  
<sup>2</sup> Business ethics  
<sup>3</sup> Egoism

## مقدمه

اخلاق مسئله تضاد است. به طور کلی، اخلاق به عنوان «اخلاق» یا استانداردهای اخلاقی که ما به آنها ارزش میدهمیم و از آن حمایت میکنیم، تعریف شده است. هیچ تعریف واحد از اخلاق وجود ندارد، اما انجام آنچه قابل قبول یا در نظر گرفته شده است، میباشد. اخلاق از فرد به فرد متفاوت است و آنچه ارزشمند است مانند صداقت، میتواند ارزش برتر در زندگی کسی نباشد. برخی معتقدند آنچه را که در نظر دارید اخلاقی است، درست است. این مهم نیست که افراد دیگر چه فکر میکنند. به عنوان مثال، اگر کسی با یک ماشین به عابر پیاده در جاده بزند و فرار کند انجام این امر در تفکر خود او قابل قبول است. مهم نیست که ما چه فکر می‌کنیم، او آنچه که او تصور می‌کرد در این وضعیت درست است. افرادی که این جریان فکر را دنبال می‌کنند باورها را معادل اخلاق میدانند. با توجه به کار تحقیقی داسکا و همکاران<sup>۴</sup> (۲۰۱۱) باورها لزوماً اخلاقی نیستند. این نویسندگان نمونه‌ای از باورهای نازی‌ها در مورد یهودیان یا افرادی که از سقط جنین حمایت میکنند را مطرح میکنند. این باورها هیچ پایه اخلاقی ندارند. با این حال، بسیاری از مردم ممکن است استدلال کنند که راننده اشتباه کرده است که قربانی زخمی در خیابان رها کرده است. برخی افراد در حصار مانده‌اند و تا زمانی که شرایط اخلاقی بر آنها به طور مستقیم تأثیر نگذارد در مورد آن صحبت نمیکنند. با این وجود، چنین مواردی مفید نیستند. اگر یک مدیر یک عمل غیرقانونی مانند تجارت داخلی انجام دهد و هیچکس موضع اخلاقی را در برابر آن اعمال نکند این منجر به هرج و مرج جامعه خواهد شد. اصول اخلاقی که امروزه به عنوان افراد مشخص میکنیم چگونگی اجرای زندگی و حرفه‌های ما را تعیین میکنند. به عنوان مثال اگر من صداقت را ارزش بدانم، بعید است که من در طول ازدواج، زنا کنم. این احتمال وجود دارد که یک فرد در زندگی حرفه‌ای خود مانند حسابداری و مهندسی غیر قابل اعتماد باشد. بسیاری از سازمان‌ها مانند مؤسسه تحلیلگران خبره مالی (CFA) مجموعه‌ای از قوانین را ارایه کرده‌اند که مسئولیت‌های اخلاقی را در حرفه‌ی مجاز کنترل میکنند.

امروز حرفه‌ها صرفاً کسب سود نیستند بلکه انجام وظایف اخلاقی لازم با آن مسئولیت است. به عنوان مثال مؤسسه مؤسسه تحلیلگران خبره مالی تصریح می‌کند که تحلیلگران و کاندیداها "باید با انسجام، شایستگی، سرسختی، احترام و اخلاق با عموم مردم، مشتریان، مشتریان آینده، کارفرمایان، کارکنان، همکاران در حرفه سرمایه‌گذاری و دیگر شرکت کنندگان در بازارهای سرمایه جهانی رفتار کنند. این کداخلاق در حرفه سرمایه‌گذاری برای یک انسان اخلاقی در زمینه سرمایه‌گذاری است. فرض منطقی این است که این کدهای اخلاقی در طول زندگی حرفه‌ای رعایت شود. با این حال، بسیاری از رسواییهای مالی و حسابداری همچون مدیریت فاسد مالی بی‌ضرر هنوز رخ میدهد. با توجه به کار ریلی و براون<sup>۵</sup> (۲۰۰۹)، فساد مالی بی‌ضرر زمانی است که مدیران از سرمایه‌گذار می‌خواهند یک کمیسیون کارگزاری که بالاتر از هزینه ساده اجرایی بورس است به یک دلال پرداخت کنند که بدین صورت مدیر خدمات تلفیقی اضافی را از کارگزار دریافت میکند. بلوم<sup>۶</sup> (۱۹۹۳) استدلال کرد که این سناریو به تخصیص نادرست منابع مالی توسط سرمایه‌گذاران بالقوه منجر میشود. با این حال، حوران و جانسون<sup>۷</sup> (۲۰۰۰) نشان داد که استفاده از ترتیبات مالی بی‌ضرر را می‌توان در اخلاق برای نظارت بر رفتار کلی حرفه‌ای سرمایه‌گذاری بکاربرد. دلیل آن این است که زمانیکه شما در برنامه مالی بی‌ضرر شرکت می‌کنید ما می‌توانیم استنباط کنیم که شما به دنبال منافع خود هستید. استفاده از برنامه مالی بی‌ضرر به طور کامل توسط مؤسسه تحلیلگران خبره مالی ممنوع است. در عوض، مؤسسه دستورالعمل‌های مناسب برای نحوه هدایت دلار بی‌ضرر بدون اینکه مدیران با آن منافع شخصی خود را دنبال کنند، تنظیم کرده است. این توسط کد دوم اخلاقی نشان داده شده است که می‌گوید اعضا باید "انسجام را در حرفه سرمایه‌گذاری" قرار دهند و منافع مشتریان بالاتر از منافع شخصی آنها است. "وضعیت دیگر این است که سرمایه‌گذار حرفه‌ای مشتریان بالقوه را برای سرمایه‌گذاری در سهام جذب می‌کند که او احساس می‌کند در بلندمدت سود می‌کند بدون اطلاع رسانی مشتریان که بازدهی گذشته نشانگر بازدهی آتی نیست، و بازده تضمین شده در زمینه‌های سرمایه‌گذاری وجود ندارد. چالش این است که اگر فرد این اطلاعات را افشا کند او کمیسیون خود را از دست خواهد داد. مشتریان معمولاً زمانی که آنها متوجه ضرری میشوند که از ابتدا سود آن تضمین شده بود، دلسرد میشوند. عواقب مرتبط با اخلاق تنها در حرفه سرمایه‌گذاری دیده نشده است. بسیاری از رسوایی‌های حسابداری رخ داده است که منجر به سقوط شرکت‌های بزرگی مانند انرون<sup>۸</sup> در سال ۲۰۰۱ و وردکام<sup>۹</sup> شده

<sup>4</sup> Deontology<sup>5</sup> Utilitarianism<sup>6</sup> Duska et al<sup>7</sup> Reilly and Brown<sup>8</sup> Blume<sup>9</sup> Horan and Johnsen<sup>10</sup> Enron<sup>11</sup> WorldCom

است. در مهندسی من وضعیتی را در نظر میگیریم که در آن یک تامین کننده فولاد نرم به یک مشتری با دادن اطلاعات نادرست در مورد محصول ان را میفروشد. فولاد بد در نصب یک بستر بکار رفته و چند ماه بعد این ساختمان فرو ریخته و تمام کارکنان کشته میشوند. همچنین حادثه ای را در نظر بگیرید که در آن یک پزشک دو عمل جراحی را در یک روز انجام میدهد. چون او بدنال منفعت خود است، او به جای ارجاع بیماران اضافی به دکترهای دیگر، در یک روز چهار بیمار را ویزیت میکند. در حالی که بر روی بیمار دوم کار میکند، بیمار سوم بیهوش شده و میمیرد در حالی که بیمار دیگر برای مراقبت فوری پزشکی کمک میخواهد. اینها موقعیتهای اخلاقی هستند که نمیتوان آنها را نادیده گرفت. این شرایط، افشا سازی را مشخص میسازد. چه می شود اگر کسی وجود داشته باشد که این فعالیتهای اشتباه را قبل از انجام آنها گزارش کند؟ افشا سازی یکی از رایج ترین چالش های اخلاقی است که هر کس در زندگی شخصی و کاری خود با آن مواجه است. این مقاله با بررسی ادبیات موجود موارد موفقیت و شکست افشا سازی؛ دلایل له و علیه افشا سازی؛ عوامل اصلی موفقیت افشا سازی؛ کانال های مناسب افشا سازی و ابعاد چندگانه افشا سازی را مشخص میکند. این مطالعه همچنین با استفاده از متون اخلاقی معاصر، به حل معضلات مربوط به افشا سازی کمک میکند. قبل از اینکه ما به افشا گیری بپردازیم، ما باید ریشه اخلاق را درک کنیم، زیرا این موضوع دیدگاه های مختلف در مورد افشا گیری را روشن می کند.

### بررسی اصول اخلاقی و حسابداری

اخلاق به وضوح تعریف نشده است. با توجه به کار تحقیقی داسکا و همکاران (۲۰۱۱) اخلاق: "اصولی است که موارد خوب و بد با وظیفه و مسئولیت اخلاقی را نشان میدهد؛ مجموعه ای از اصول اخلاقی یا ارزشها؛ نظریه یا سیستم ارزشهای اخلاقی؛ یا اصول اقدامات یک فرد یا گروه." همه تعاریف بالا قابل قبول هستند. دیدگاه سنتی اخلاق، این است که یک عمل خوب در نظر گرفته میشود، اگر برای تعداد زیادی از مردم قابل قبول باشد. دلایل مطالعه اخلاق با توجه به کار تحقیقی داسکا و همکاران (۲۰۱۱) نیز متنوع هستند. نویسندگان پیشنهاد می کنند که بررسی اخلاقی حیاتی است تا بدانیم که چه باورهایی اخلاقی در نظر گرفته می شود. نویسندگان با مطالعه اخلاق بیان میکنند که، ما می توانیم تعیین کنیم که کدام مجموعه اصول در شرایط مختلف اعمال می شود. علاوه بر این، داسکا و همکاران (۲۰۱۱) اشاره می کنند که اخلاق پایه و اساس استدلال اخلاقی و توسعه است. بدون اخلاق، هیچ پایه ای نداریم که بدانیم کدام اقدام اشتباه یا درست است. با اخلاق، می توان دلایل حمل انجام یک کار خاص را توجیه کرد. به این ترتیب، سیستم قضایی کار می کند. آنها معیارهایی برای قضاوت در مورد اقدامات خواهند بود. این به این معنی نیست که امروزه مشکلات رخ نمیدهد. با نظام حقوقی، وضعیت خیلی بهتر می شود. اصول اخلاق نیز برای درک این است که چرا احساسات ما و نظرات ما ارزشمند هستند. دلیل این است که اگر بدون دلیل معتبر اقدام نکنیم، ما اصول اخلاقی خاص را نقض کرده ایم. دلایل زیادی برای انجام یک کار وجود دارد. با این حال برخی دلایل بی معنی است. به عنوان مثال انجام یک عمل اشتباه و گفتن "من اینطوری دوست داشتم" اساس اخلاقی نیست و در نتیجه توجیه پذیر نیست. بررسی اخلاق توسط داسکا و همکاران (۲۰۱۱) به ما نشان می دهد چگونه می توان اصول اساسی اخلاقی را در یک عمل شناسایی کرد. این به ویژه در جهان حرفه ای صدق میکند. در مقدمه، نویسنده نمونه ای از مورد یک دکتر را بیان کرد که در یک روز ۴ بیمار را جراحی میکند. بیماران دیگر بدون مراقبت بوده و جان خود را از دست میدهند. در این سناریو، برای حل این موارد، اصول اخلاقی نیاز است. آیا پزشک حق داشت بیشتر از آنچه که میتوانست انجام دهد، کار قبول کند؟ باید اقدام علیه او برای منفعت جویی و بازی با جان مردم به طور غیر مستقیم صورت گیرد؟ در کسب و کار، همچون شرکتهای حسابداری و شرکت های حسابداری اصول اخلاقی اهمیت دارد. این اخلاق کسب و کار و یا گاهی اخلاق حسابداری نامیده میشود. اخلاقیات در دیگر حرفه ها نیز مانند اخلاق در مهندسی؛ اخلاق در مطالعات علمی و اخلاق در شرکت های حقوقی وجود دارد. اعتقاد سنتی در طول سال ها این است که تجارت و اخلاق در تضاد با هم هستند. بدین معنی که کسب و کار و اخلاق در مقابل هم هستند زیرا کسب و کار در صدد ایجاد سود است و کسی که بدنال کسب سود است در برخی موارد غیر اخلاقی عمل میکند. نمونه های بسیاری از موارد وجود دارد. یک مدیر با جعل بیلان و اظهارنامه درآمد از یک بانک وام میگیرد. نمونه های دیگری هم وجود دارد. شرکت های قدیمی با رقبای جدید رقابت میکنند. در این سناریو، شرکت غول پیکر قیمت ها را کاهش می دهند به طوری که شرکت جدید مجبور هستند قیمتشان را کاهش دهند. در دراز مدت، هزینه های عملیاتی کسب و کار جدید بدون سود افزایش خواهد یافت. شرکت رقیب جدید مجبور به کنار کشی خواهد شد. همه اینها برای به دست آوردن سود بیشتر انجام می شود بدون توجه به این که آیا اقدام اخلاقی است یا خیر. امروزه کسب و کارهای جدید دارای اصول اخلاقی هستند که چگونه کارکنان باید با یکدیگر و بقیه عموم، مشتریان بالقوه، مشتریان قدیمی و موسسات دیگر رفتار کنند.

انجمن حسابداران رسمی آمریکا (AICPA) استانداردها اخلاقی را تعیین کرده و آنچه که از حسابداران رسمی (CPA) انتظار می‌رود. انجمن حسابداران رسمی آمریکا هفت اصل دارد که حسابداران رسمی را هدایت می‌کند. اصل اول "در انجام مسئولیت‌ها خود به عنوان حرفه‌ای، اعضای باید اصول حرفه‌ای و قضاوت اخلاقی در همه فعالیت‌ها در نظر بگیرند. کلمات کلیدی در ایناصول "قضاوت‌های حرفه‌ای و اخلاقی حساس" است. این اصل شیوه‌هایی مانند ورود به یک معامله حسابداری غلط، کم‌کردن‌دهی به افزایش سود خالص؛ یا افزایش ارزش‌داری‌ها برای افزایش سود خالص؛ یا درمورد شرکت‌های ممیزی - موافقت با یک روش حسابداری غلط که یک مشتری از آن استفاده می‌کند تا بیشتر بپردازد را ممنوع کرده است. اصل دوم انجمن حسابداران رسمی آمریکا بیان می‌کند که عضو "باید بگونه‌ای عمل کند که در جهت منافع عمومی بوده، اعتماد مردم را جذب کرده و تعهد به حرفه را نشان دهد". این اصل از ابتدا از منافع عمومی حمایت می‌کند. متخصصان حسابداری غیر مطمئن نمیتوانند اعتماد دیگران را بدست آورند، زیرا آنها در جهت منافع عمومی کار نمیکنند. اصول سوم بیان می‌کند: "برای حفظ و گسترش اعتماد عموم، اعضا باید تمام مسئولیت‌های حرفه‌ای را با بالاترین حس صداقت کاری انجام دهند."

اصل چهارم بیان می‌کند که:

"افراد باید عینیت را حفظ کرده و فاقد تضاد منافع در انجام مسئولیت حرفه‌ای خود باشند". سه اصل آخر انجمن حسابداران رسمی آمریکا به شرح زیر است: (۵) عضو باید در هنگام ارائه ممیزی و یا گواهی‌نامه خدمات مستقل عمل کند؛ (۶) یک عضو باید استانداردهای اخلاقی فنی حرفه را رعایت کند، به طور مداوم تلاش کند تا صلاحیت و کیفیت خدمات را بهبود بخشد و مسئولیت حرفه‌ای را با بالاترین توانایی اعضا انجام دهد (۷) یک عضو در کل باید اصول کد رفتار حرفه‌ای را در تعیین دامنه و ماهیت خدمات ارائه شده در نظر بگیرد.

### افشاگری

این پژوهش با استفاده از تئوری تقارن اطلاعاتی که توسط پیشگامان تئوریزه شده است افشاگری را مورد توجه قرار میدهد و افشاگری با این دلیل قابل بحث و بررسی است که شامل افشا و آشکارسازی اسرار مفید اطلاعاتی است که یک شرکت درگیر است داسکا و همکاران (۲۰۱۱) افشاگری را به این صورت تعریف میکنند فعالیتی است که در آن کارکنان که شرکت یا همکارانشان سر فعالیتهایی شرکت میکنند که منجر به آسیب رسانی بیش از حد تضییع حقوق انسانی، عملکرد غیر قانونی، مقابله و مخالفت با ائراق تعریف شده، دستور العمل‌ها یا حرفه در غیر اینصورت منجر به آگاه‌سازی غیر اخلاقی مقامات ارشد، سازمان‌های حرفه‌ای، عموم مردم، یا شماری از نهادهای عمومی از این فعالیت‌ها می‌شود. افشاگری به مسئله غامض برای کارکنان تبدیل شده است. به طور سنتی افشاگری به طور نامناسب مورد بررسی قرار گرفته است چرا که شامل افشا افراد غیر به مردم یا سیستم قضائی مسئول بوده است. مطابق با دیدگاه داسکا و همکاران (۲۰۱۱) افشاگری غالباً با واژگانی نامناسب مثل خبر چین، یاهو گو، خرابکار یا فریبکار نامیده میشود. در بسیاری از موارد مردم ترجیح میدهند که به جای افتادن در باتلاق افشاگری از کنار آن عبور کنند. افشاگری مسئولیتهای عمده‌ای بر عهده افشاگر وارد خواهند نمود. قانونگذار همواره در کانون توجهات بوده و غالباً در معرض پاسخگویی برای تولید قانون می‌باشد. به عنوان مثال چرا در برخی موارد مردم رای افشا موارد غیر اخلاقی با مشکل روبرو میشوند. احساس یا عدم حرکت به سمت افشاگران منجر به گسترش شرایط کنونی خواهد شد. به طور صادقانه شمار گسترده‌ای از مردم معتقد هستند که تمایلی به افشاگری ندارند. آنا معتقد هستند که افشاگری بخشی از فعالیت روزانه آنها نمی‌باشد. شارون واکتنز احساس نمود که متعهد به آشکارسازی و افشا فعالیتهای غیر اخلاقی شرکت اندرون در سال ۲۰۰۱ است. علی‌رغم این واقعیت که عموماً افشاگری به صورت نامناسب تعبیر میشود اما ممکن است؟ از افشاگری وجود داشته باشد. در مواردی مثل طرح ریزی ارائه وقایع نامناسب به مردم افشاگری میتواند سرمایه‌گذاران را در مقابل زینهای گسترده حفظ نماید. افشاگری به خودی خود به طور مستقیم به افشاگر کمک نمیکند. بر این مهم دلیل اصلی در آن است که چرا عده زیادی از مردم احساس عدم نیاز و ضرورت به افشا مینمایند.

افشاگری میتواند از عکس‌العمل جدی نسبت به خبر چینی برخوردار باشد حتی با تغییر شیوه زندگی مردم غالباً این برچسب را میزنند که فرد افشاگر خبر پین بوده که همواره درصدد آشکار سازی همه چیز است گاهی اوقات وضع برای افشاگر غیر قابل تحمل می‌شود. بعلاوه افشاگری معمولاً منجر به فرو ریختن و انحلال شرکتهای بزرگی مثل انرون می‌شود. بسیاری از مردم شغل خود را به هنگام افشا واقعیات و بیان صادقانه نسبت به شرکت از دست میدهند و بسیاری از مردم افشاگران را مقصر از دست دادن شغلشان میدانند. از نظر آنها افشاگران قهرمان نمی‌باشند. بسیاری از مردم در این عقیده استوار هستند که اگر خبر چینی وجود نداشته باشد هیچ وقت شغل خود را از دست نمی‌دهند آنها غالباً بر این واقعیت اشاره دارند که شرکت در حال

تعریف سود بوده است در ادامه ما به ارزشیابی این موضوع میپردازیم که چرا تئوری های اطلاعاتی میتواند به حل مسائل اخلاقی در افشاگری کمک نماید .

### تئوری های اخلاقی معاصر و افشاگری

افشاگری میتواند مسائل اخلاقی پیچیده ای در پی داشته باشد بسیاری از مردم معتقد هستند که این مسئله پیچیده مرتبط با تعهد به افشا فعالیتهای غیر اخلاقی می باشد . این مهم به هنگام بررسی مجرمینی که ممکن است شغل خود را با بدنامی از دست داده باشند یا شرکتی که ممکن است به تعطیلی کشانده شوند ، مشکلاتی را ایجاد میکند . ارزش ها در حال تغییر هستند در این مقاله افشاگری از نقطه نظر تئوری های اخلاقی مثل خود بینی ، وظیفه شناسی ، فایده گرایی ، مورد بررسی قرار میگیرد.

#### ۱- خود بینی

این تئوری اخلاقی مهم عبارت است از اینکه افراد در تلاش برای ثنبال نمودن رفاهیات خویش هستند . داسکا و همکاران (۲۰۱۱) بیان میدارد که افراد همواره براساس منافع شخصی خویش حرکت میکنند و این تئوری غالباً مورد عدم پذیرش قرار گرفته است زیرا در صدد ترویج خود پسندی می باشد . بسیاری از مردم معتقد هستند که خود پسند بودن اشتباه و ناپسند است زیرا در این حالت مقاصد و نیازهای دیگر مردم مورد توجه قرار نمیگیرد و تنها چیزی که در این تئوری مورد توجه قرار میگیرد خود و اهداف خود می باشد . هیچ چیزی به فرد با فعالیت نمودن وی در راستای منافعش کمک نمیکند مطابق با داسکا و همکاران (۲۰۱۱) پژوهش اخیر بیانگر آن است که منافع و تمایل به خودی خود بد نمی باشد . روانشناسان معتقد هستند که خویش دوستی ( خود دوستی ) و خود اعتقادی و قدرت افراد در راستای رسیدن به اهداف و پروژه هایشان لازم و ضروری می باشد . خود بینی به طور کلی بد نیست ولی زمانی نامناسب است که فرد شروع به تسهیل اهداف خود که منجر به اذیت و آزار دیگران میشود ، بنماید . گرچه خود پرستان مدعی هستند که اگر فردی خودش را نبیند و به خویش توجه نکند وجود نخواهد داشت . آنها معتقد هستند که هیچ کس نمی تواند مثبت بوده و اظهارات مثبتی داشته باشد خواه خودی که مطابق با منافع خویش حرکت کند خواه نکند بهتر است در جهت تحقق اهداف خویش گام بردارد . در روانشناسی این مهم غالباً عنوان میشود که هر شخص خودپرست است زیرا تمامی افراد درصدد فعالیتها مطابق با منافع خویش می باشد . خود بینی روانشناسانه ، به طور حرفه ای آیا خود بینی بد است ؟

خود بینی به عنوان یک تئوری بد دیده میشود زیرا شامل منافع دیگر افراد نمی شود . برای مثال یک حسابرس خود پسند و مغرور منافع مشتری خود را مد نظر قرار نمی دهد . اما مهمترین سوال این است که آیا این تئوری مشکل ناشی از پیچیدگی های اخلاقی افشاگری را حل میکند . خود بینی براساس مبانی منافع شخصی است بنابراین در خود بینی ممکن است بیان گردد که شاید نیاز به افشا فعالیتهای غیر اخلاقی شرکت و همکاران بنا شده زیرا منجر به گسترش مبانی منافع شخصی آنها نمی شود . در بسیاری از موارد نسبت به افشاگری واقعا منفعی وجود ندارد . خود پسند منافع شخصی را مورد توجه قرار میدهد . اگر چه خود ؟ ممکن است این فرض بدیهی را مورد توجه قرار دهد که زمانی خود میتواند همراستا با افشاگری ها رشد و ترقی داشته باشد که افشاگری منافع فرد را توسعه دهد به عنوان مثال فرد بعد از حل فاجعه بزرگ در شرکا به مقام بالایی در آن شرکت دست یابد . بنابراین در خود پسندی مهم آن است که چه چیزهایی از افشاگری شامل حال فرد میشود به طور کلی افشاگری می بایستی در راستای افتخار حرفه فعالیت نماید و نه برای هدف توسعه فردی بنابراین این مهم نقض خواهد شد به عنوان مثال مقرراتی که توسط موسسات قوی مثل موسسه حسابداران رسمی و انجمن حسابداران رسمی آمریکا پایه گذاری میشود نگرانی آن است که خودپسند در شرایطی که موارد به طور شفاف غیر اخلاقی هستند احتمالاً سکوت نمایند

زیرا به افشاگری و عدم سکوت برای وی منفعی را در پی نخواهد داشت . داسکا و همکاران (۲۰۱۱) بیان میکنند که حتی با قصور اینکه متخصصین میتوانند با افشاگری توافق نکنند وی در بعضی موارد از آنها متعهد به افشا و اشکارسازی اسرار غیر اخلاقی می باشد.

**۲- فایده گرایی (منفعت طلبی)**

درفایده گرایی موضوع آن است که به گونه ای عمل شود که بهترین و بزرگترین منفعت عاید دسته گسترده ای از افراد گردد (داسکا و همکاران، ۲۰۱۱). ژان استورات و میل استورات بیان می دارند فعالیتی منجر به مسب نتایج مثبت شود، فعالیتی دوام پذیر بوده است. درحالی که فعالیتی که نتایج نامناسب و بد در پی داشته باشد آسیب رسان و مفید خواهند بود. قاعده برآن است که نتایجی که منجر به شادی آفرینی بیشتر شوند ماندنی و پابرجا خواهند بود.

مشکل این تئوری آن است که عامل بهبود و روان سازی مسئله توزیع نیست. داسکا و همکاران (۲۰۱۱) به بیان مثال پرتقال ها می پردازند. اگر ۵ نفر وجود داشته باشند که از این میا دو نفر شدیداً پرتقال دوست داشته و دو نفر دیگر از آن متنفر باشند. حال چگونه بایستی پرتقال ما بین آنها توزیع شود که منجر به بیشترین شادی آنها گردد. اگر اجازه دهیم که پرتقال ها به طور منصفانه بین آنها توزیع شود به هریک عدد پرتقال توزیع شده که در این حالت تعداد واحد های خوشحالی برابر ۳ خواهد بود. زیرا دو نفر دیگر منتظر دریافت پرتقال نخواهند بود. اگر ما اجازه دریافت پرتقال ها را به افرادی بدهیم که واقعاً به آنها علاقه دارند، در این صورت دو نفری که به پرتقال علاقه دارند هر یک دو پرتقال دریافت می کنند که با این نوع تقسیم بندی به بزرگترین واحد خوشحالی را ایجاد خواهیم نمود.

از نقطه نظرافشاگری آیا فایده گرایی (منفعت طلبی) یک تئوری اخلاقی مانی و مناسب و رشد و ترقی خواهد بود. افشاگری در صورتی ممکن است مورد حمایت فایده گراییباشد که شماره گسترده قابل توجهی از افراد منتفع گردند. بنابراین اگر فایده گرایی منجر به انتفاع شمار گسترده ای از افراد یکبار پرتاز شود آنگاه حرکت در امتداد چنین فعالیتی (فایده گرایی) منطقی و عاقلانه خواهد بود یا نخواهد بود.

**۳- وظیفه شناسی**

تئوری اخلاقی دیگر که نیازمند توجه و بررسی باشد عبارتست از وظیفه شناسی (کانت). وظیفه شناسی براساس این عقیده ماست که اگر فردی در راستای تأمین مطالبات و امیال خویش گام بردارد، آنگاه به خارج از انگیزه اخلاقی فعالیتی صورت نداده است. کانت به بیان چندین فرمول برای الزامان طبقه بندی شده می پردازد. اولین فرمول آن است که فرد بایستی به گونه ای عمل نماید که توانایی گسترش و حداکثرسازی فعالیت خویش را به منظور تبدیل شدت آن به یک قانون جهانی داشته باشد. دومین فرمول آن است که به گونه ای رفتار شود که هیچگاه رفتار منطقی دیگری به عنوان یک وسیله انحصاری دیده نمی شود. تئوری کانت به طور مستقیم در تضاد با خود بینی است زیرا در خود بینی خود در پی منافع خویش است. در این حالت فعالیتها وی جهانی نخواهد شد و اگر چه وظیفه شناسی بیانگر آن است که فرد بایستی در درجه منفعت فعالیتشان را بررسی کند و یقین پیدا کند که آیا آنها قابلیت تبدیل شدن به اصول یا قانون جهانی را دارند. این تئوری مشکلات فایده گرایی (منفعت طلبی) را حل میکند. فایده گرایی (منفعت طلبی) در پی نتیجه بوده در حالیکه وظیفه شناسی براساس جهان شمول کردن فعالیتها می باشد. این منظر عبارتست از اینکه نمیتوان انتظار داشت در صورتی که رفتار فرد از ابتدا و نقطه شروع اشتباه می باشد یک رفتار مورد پذیرش جهانی و جهان شمول تبدیل شود. این تئوری بان میدارد که افراد به طور اخلاقی رفتار نمایند آنگاه فعالیتها آنها قابلیت پذیرش جهانی را خواهد داشت. بهترین وظیفه در شرایطی که وظیفه شناسی مسائل غامض در افشاگری را حل مینماید ارزشیابی خواهد شد. در وظیفه شناسی اگر حسابداران همراستا با افشاگری حرکت کنند و تمامی فعالیتها غیر اخلاقی را افشا نمایند آنگاه این عملکرد آنها درست خواهد بود. وقتی این فرض بدیهی را داشته باشیم که عقاید یا فعالیتها فرد زمانی جهانی خواهد شد که وی رفتارهای غیر اخلاقی را مشاهده و گزارش نماید. بسیاری از افراد ممکن است این موضوع را مطرح نمایند که به دلیل مشکل بودن ایستادگی نسبت به خود بینی به مقابله با وظیفه شناسی پرداخته اند. این دیدگاه نه تنها نسبت به حرفه بلکه نسبت به جامعه جهانی به طور کلی وجود دارد. اگر چه افشاگران هیچگاه بدون چالش و بدون آسیب پذیری حرکت نخواهند نمود. رز (۱۹۳۰)<sup>۱۲</sup> معتقد است که ما دارای اهداف هائی هستیم که فراتر از وظایف مان حرکت مینماید. به عنوان مثال ما متعهد به حفظ پیمان هایمان در دست انجام دادن آنها و عدم آسیب رسانی به دیگران هستیم.

**۴- عامل روانشناسی**

در اخلاق تجاری عوامل دیگری وجود دارد که اخلاقیون معتقد هستند که وقوع رسوایی ها را متاثر خواهد نمود. کینگ<sup>۱۳</sup> (۲۰۰۸) بیان میکند توسعه اخلاقی شامل تغییرات در افکار، احساسات و رفتارهای مربوط به اصول و ارزش هایی میشود که راهنمای افراد در مسیری که بایستی انجام دهند، خواهد بود. پژوهش های روانشناسی بیباگر توسعه اخلاقی در هر دو بعد درون فردی و میان فردی است مانند پژوهش لامپل لی و نارواثر<sup>۱۴</sup> (۲۰۰۶) و توریل<sup>۱۵</sup> (۲۰۰۶). به هنگام بررسی اخلاق مهم توجه به رشد اخلاقی کودکان و پرورش صحیح آنها و راست قامتی بزرگسالان است ( آمیس برگ و همکاران<sup>۱۶</sup> ۲۰۰۶، آمیس برگ و مورفی<sup>۱۷</sup> ۱۹۹۵، آمیس برگ و والینت<sup>۱۸</sup> ۲۰۰۲) مطابق با پژوهش (۲۰۰۸) این راهبردها شامل صمیمی و حامی بودن خواهد بود. اگر این راهبردها به خوبی پیروی گردند آنگاه بسیاری از افراد حرفه ای، به طور محترمانه عمل خواهد نمود این عملکرد نه به دلیل تعهد افراد به حرفه می باشد بلکه به دلیل ذات و تربیت آنها می باشد. آنگاه در این حالت بسیاری از رسوایی ها متوقف خواهد شد.

**نتیجه گیری**

در این مطالعه، افشاگری براساس تئوری های اخلاقی معاصر مورد ارزشیابی قرار گرفت. مسائل غامض افشاگری با استفاده از مبانی خودبینی، رفاه طلبی و وظیفه شناسی مورد آزمون قرار گرفت. افشاگری به طور کلی فعالیت غیراخلاقی را مورد بررسی قرار داده است، زیرا به غیر اخلاقی بودن وسیله است که منجر به ناسپاسی فرد خواهد شد. عموم افراد اجتماعی می باشند، بنابراین اگر یکی از آن افراد ناسپاس بوده و به طور آشکارا فعالیت غیر اخلاقی را صورت دهند. آنگاه آنها در جهت جدایی از جامعه و بدنام شدن گام خواهند برداشت. به طور کلی، مبانی خودبینی به دلیل آنکه براساس منافع شخصی فرد شکل گرفته گرفته اند، از افشاگری حمایت بهعمل نخواهند آورد. براساس خودبینیبه فرد فقط بایستی در راستای افشاگری حرکت کند که آن منجر به تامین منافع شخصی می شود. اگرچه، این مهم همسو است با استاندارد های اخلاقی حرفه ای نخواهند بود. استاندارد های اخلاقی حرفه ای، افراد را جهت عدم خودبینی و فعالیت در راستای درستی و تعهد اخلاقی حرکت خواهند بود. از طرف دیگر، فایده گرایی براساس اصولی شکل گرفته است که فعالیت را در صورتی که منجر به تامین بزرگترین منافع به تعداد گسترده ای از افراد شود قابلیت رشد و ترقی خواهد داشت. افشاگری از نقطه نظر فایده گرایی تنها زمانی مورد حمایت واقع می گردد که به جای آسیب رسانی به بخش های مربوطه برای آنها مفید و مناسب باشد. یک فرد فایده گرا و سودمند گرا به تعیین شرایطی که منجر به خلق سودمندی (خوبی) بیشتر نسبت به بدی می شود، بپردازد.

مشکل اصلی این تئوری آن است که افشاگری بایستی مخالف با خود بینی باشد. افراد خود بین به دلیل آنکه منافع شخصی در اولویت منفعت برای فایده گرایی نمی باشند، فایده گرایی را رد می کنند. پژوهشگران منتقد معتقد اند که فعالیت های فرد بایستی در مسیری حرکت کند توانایی پذیرش جهانی را داشته باشد. ممکن است افشاگرایی در این مورد (وظیفه شناسی)، پذیرفته شود. زیرا در راستای وظیفه شناسی درستی افراد مورد بررسی قرار میگیرد.

به طور کلی افشاگری توسط نئو تئوری مورد پذیرش واقع می شود. این تئوری ها عبارتند از وظیفه شناسی و فایده گرایی. اگرچه این بدان معنی نیست که افشاگری بایستی همیشه بدون بررسی دقیق شرایط مورد عمل قرار گیرد. تفاوت و سختی شرایط، منطبق و مسیری که ما در آن فعالیت می کنیم تاثیرگذار خواهند بود. مطابق با داسگا و همکاران (۲۰۱۱) افشاگری باید بر اساس انگیزش مناسب، مدارک مناسب و مسیر های مناسب شکل گیرد.

<sup>13</sup> King<sup>14</sup> Lapsley and Narvaez<sup>15</sup> Turiel<sup>16</sup> Eisenberg, et al<sup>17</sup> Eisenberg and Murphy<sup>18</sup> Eisenberg and Valiente

## منابع و مراجع

- 1- Blume, M. E. (1993). 'Soft dollars and the brokerage industry'. Financial Analysts Journal, Vol.49, No.2, pp.36-44.
- 2- Bosupeng Mpho,(2017). 'WHISTLE BLOWING: WHAT DO CONTEMPORARY.ETHICAL THEORIES SAY? '. Studies in Business and Economics no. 12(1)/2017.
- 3- Brown, K.C., and Reilly, F.K. (2009). 'Analysis of investments and management of portfolios'.(9th ed). Canada: Cengage Learning.
- 4- Duska, R., Duska, B.S., and Ragatz, J. A. (2011). 'Accounting Ethics'. West Sussex: Wiley-Blackwell.
- 5- Eisenberg, N., Fabes, R.A, and Spinrad, T. I. (2006). 'Prosocial development'. In W. Damon and R. Lerner (Eds.), Handbook of Child Psychology (2th ed.) New York: Wiley.
- 6- Eisenberg, N., and Murphy, B. (1995). 'Parenting and children's moral development'. In M.H.
- 7- Borstein (Ed.), Children and parenting (vol.4). Hillsdale, NJ: Erlbaum. Eisenberg, N., and Valiente, C. (2002). 'Parenting and children's prosocial and moral development'. In M.H. Bornstein (Ed.), Handbook of Parenting (2nd ed). Mahwah, NJ: Erlbaum.
- 8- Horan, S. M., and Johnsen, D.B. (2000). 'The Welfare effects of soft dollar brokerage: law and economics. Charlottesville, VA: Research foundation of the institute of chartered financial analysts.
- 9- King, L. (2008). 'The science of psychology: an appreciative view'. McGraw-Hill: New York.
- 10- Kohlberg, L. (1969). 'Stage and sequence: The cognitive-developmental approach to socialization'. In D.A Goslin (Ed), Handbook of Socialization Theory and Research. Chicago: Rand McNally.
- 11- Lapsley, D.K., and Narvaez, D. (2006). 'Moral education'. In W. Damon and R. Lerner (Eds),Handbook of Child Psychology (6th ed.). New York: Wiley.
- 12- Ross, W. D. (1930). 'The right and the good'. Oxford University Press.
- 13- Turiel, E. (2006). 'The development of morality'. In W. Damon and R. Lerner (Eds.), Handbook of Child Psychology (6th ed.) New York: Wiley.